

لازم به ذکر است: متن ذیل پیاده شده از صوت درس می‌باشد و هیچگونه ویرایشی روی آن اعمال نشده است.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی
الله تعالی علی سیدنا و نبینا ابوالقاسم محمد و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین لا
سیما بقیه الله فی الارضین ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّدِّيقَةِ قَاطِمَةَ الزَّكِّيَّةِ حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أُمَّ أَحِبَّائِكَ وَ أَصْفِيَّائِكَ الَّتِي
اُتَّجِبْتُهَا وَ فَضَّلْتُهَا وَ اخْتَرْتُهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ طَلَمَهَا وَ
اسْتَحَفَّ بِحَقِّهَا وَ كُنِ النَّائِرَ اللَّهُمَّ يَدْمِ أَوْلَادِهَا اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتُهَا أُمَّ أَيْمَةِ الْهُدَى وَ خَلِيلَةَ
صَاحِبِ اللِّوَاءِ وَ الْكَرِيمَةِ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى فَضَّلْتُ عَلَيْهَا وَ عَلَى أُمِّهَا حَدِيجَةَ الْكُبْرَى صَلَاةً تُكْرَمُ
بِهَا وَجْهَ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تُقَرُّ بِهَا أَعْيُنُ دُرِّيَّتِهَا وَ أُلْبَعُغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ
السَّاعَةِ أَفْضَلَ النَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ.

بحث در جواب چهارمی بود که علامه طباطبایی قدس سره بیان فرمودند که به این شکل
تحریر شد که جمع بین ادله داله بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر و تأکید شارع بر
آن دو امر به بیانات مختلفه که آن از نظر عدد هم بسیار فراوان هست و تأکیدات بسیار
فراوانی در آن هست از جهات مختلف و فوائد مهمه‌ای که بر امر به معروف و نهی از
منکر در روایات بیان شده که بها تقام سائر الفرائض و هكذا، جمع عرفی بین آن
فرمایشات شارع و این کلام که این جا فرموده است «علیکم انفسکم» این است که
عرف این جور جمع می‌کند که با توجه به آن حرف‌هایی که آن جا زده نمی‌خواهد حالا
دست از آن بر دارد یا حرفی مناقض با آن بزند بلکه این جا برای آن حالت روانی‌ای است
که برای انسان بعد از انجام آن وظیفه پیدا می‌شود. انسان بعد از این که امر به معروف
می‌کند، نهی از منکر می‌کند، زحمت می‌کشد بعد می‌بیند که گاهی این‌ها اثر نکرد یا خیلی
کم اثر می‌کند، مردم گوش نمی‌کنند این یک حالت انفعالی برای او ایجاد می‌شود، یک
پژمردگی خاطری برای او ایجاد می‌شود. این جا است که خدای متعال می‌فرماید دیگه بعد
از این که انجام وظیفه کردید شما به این مسیبتانش دیگه کار نداشته باشید به فکر خودتان
باشید دیگه، کاری به... از این جهت دیگه ناراحت نباشید و گوش نکردن آن‌ها هم
«لایضرکم بعد از هدیتیم» بعد از این که شما هدایت شدید و به وظیفه‌تان عمل کردید و
این‌ها این ضرری نمی‌رساند. پس در حقیقت این جمله، این آیه مبارکه در مقام این هست
که این امر روانی که معمولاً در جوامع برای مؤمنینی که اقدام می‌کنند به امر به معروف
و نهی از منکر و نتیجه دلخواه را نمی‌گیرند از این امر به معروف و نهی از منکرشان این
آن‌ها را دارد تسلی می‌دهد و می‌فرماید به فکر خودتان باشید شما بیش از این وظیفه‌ای
ندارید. و لذا ایشان می‌فرمایند که این آیه شریفه می‌خواهد این را بگوید؛ همان راه‌های
عادی شما وقتی انجام وظیفه کردید به راه‌های عادی امر به معروف و نهی از منکر عادی
کردید دیگه لازم نیست خودتان به آب و آتش بزنید و هر جوری شده. نه دیگه قبول نکردند
که نکردند آن‌ها... این دنیا هم که می‌گذرد، این دنیا که ابدی نیست آن جای ابدی و زندگی
ابدی جای آخری است، آن جا، آن‌ها حساب‌شان پاک است با کرام الکاتبین است و شما
هم حساب‌تان اجرش را دارید و آن جایی که شما واقع می‌شوید ضرری ندارد، مشکلی

برای شما پیش نمی‌آید. این فرمایش علامه قدس سره هست که این را هم خیلی توضیح دادند یعنی دو سه صفحه شاید در باره این فرمایش فرمودند. حاصل فرمایش ایشان این هست.

عرض می‌کنم به این که خب این اگر این آیه بعد از آن همه گفته‌ها و مطالب وارد شده بود و مسبوق به آن‌ها بود له وجه که ما بگوییم خب با آن همه گفته‌ها حالا توی ذهن این می‌آید که ما باید این را بگوییم. اما اگر همان اوائل امر وارد شده باشد، قبل از این همه گفته‌ها و تکرارها و اصرارها و بیان این خصوصیات، خب همه می‌گویند به ما گفته چی، فرموده است خدای متعال به ما «علیکم انفسکم» کار به دیگران نداشته باشید. «لا یضرکم من ضل اذا اهتدیتم» این هم که چاشنی ... است در مقام کأنّ تعلیل است. گمراهی آن‌ها به ضرر شما که تمام نمی‌شود که. شما کاری به آن‌ها نداشته باشید، کاری به مردم نداشته باشید. اگر این آن وقت صادر شده باشد خب این برداشت از آن می‌شود دیگه این مطلبی که فرمودند ثابت نیست و چون برای ما ثابت نیست که این نزول است... روایات که معلوم است، روایات صادره از ائمه علیهم السلام که معلوم است آن‌ها بعد از این آیه شریفه است. و معمول آن اصرارها و تأکیدها آن‌ها معمولاً در کجا بود؟ در روایاتی که ذکر شد، آن آثار، آن خصوصیات معمولاً در روایات بود. از آیات مبارکات اصلاً یک آیه هم پیدا نکردیم که ما بر بتوانیم بر وجوب به آن استدلال بکنیم. آیه‌ای که دال بر وجوب باشد بگوییم فی الاسلام در قرآن گفتیم نیست. بله از آن در می‌آید که امر خوبی است، مطلوب شارع مقدس است اما یک امری که واجب باشد، لازم باشد از آیات استفاده نشده. تازه این آیه شریفه الان برای ما روشن نیست که همان آیات مبارکات هم که بود از نظر نزولی این جلوتر بوده و آن‌ها بعد آمدند یا این که برعکس بوده، یا نه در وسط بوده، بعضی از آن‌ها قبل بودند این آیه بعد آمده. این وضعیت هم برای ما از این جهات هم روشن نیست.

سؤال: حاج آقا آیات را نباید فراتر از آن زمان و فضای نزول....

جواب: نه، برای معنا کردنش خب قرینه می‌خواهد دیگه. خب می‌خواهیم معنا بکنیم معنایش این است.

سؤال: ...؟

جواب: بله، آن وقت چی معنا می‌کنید. همان معنایی که آن موقع از آن می‌فهمیدم باید باشد دیگه. مگر ائمه علیهم السلام بعداً بیایند تفسیر بفرمایند، بفرمایند که مقصود خدای متعال این بود، شما اشتباه می‌فهمیدید تا حالا و این جا هم تأخیر بیان هست، این تأخیرها بیان‌ها هم اگر لمصلحة باشد مثلاً قبیح نیست. ولی چنین چیزی که نگفتند که.

سؤال: قرآن یک حقیقت فرا زمانی دارد این طور نیست؟

جواب: چرا. ولی شیوه و متد فهمش چیه؟ این است که ببینیم آن موقعی که نازل شد چی می‌فهمیدند، همان معنا فرا زمانی است یعنی برای زمان آن جا نیست، برای خصوص آن‌ها نیست. مگر این که بیایم این جوری بگوییم. بیایم بگوییم خب بعضاً که فرمودند ائمه علیهم السلام، بعداً این‌ها آمده، بعد این حرف‌ها ذکر شده با توجه به کسی که مبنای او این است، نظرش این است، شارع یک نظرش این است، مبنایش این است، راجع به امر به معروف و نهی از منکر این حرف‌ها را دارد می‌زند آن موقع اگر این ... ولو این که این

زودتر گفته شده باشد این آیه شریفه. آن موقع مقصودش همین بود که ما حالا می‌فهمیم. ولو این در این اثناء و این مدت برداشت نادرستی از آن می‌شد، چون هنوز این کلمات به آن‌ها نرسیده بود. و حالا دارد تخطئه می‌شود می‌گوییم آن‌ها قبلاً اشتباه فهمیدند و تأخیر بیان از وقت حاجت هم اشکالی ندارد مثل عمومات و مطلقات و محکومات که آن‌ها ممکن است پنجاه سال، صد سال گاهی واسطه بین آن هست. پیامبر اکرم (ص) چیزی فرموده است، مخصصش را امام رضا (ع) می‌فرماید، مقیدش را امام رضا (ع) می‌فرماید. یا حاکمش را که آن را می‌خواهد توضیح بدهد، تفسیر بکند، ائمه متأخر بیان می‌فرمایند. یعنی صد سال، دویست سال بین آن‌ها صالیه شده. هر توجیهی که آن جا گفته می‌شود برای این تأخیرها این جا هم ممکن است این توجیه گفته بشود. این نهایت نصرتی است که می‌شود برای این بیان کرد که ما این جوری بیان بکنیم و لکن این الانصاف این است که این مطلب خلاف ظاهر هست و بعید به ذهن می‌آید چون مطلق و عموم بالاخره یک بخشی از آن را می‌خواهند از اراده جدی خارج کنند اما این جا اصلاً معنای معنایی است که ... چیزی باقی نمی‌گذارد برای همه، می‌گوید کاری به مردم نداشته باش. این جوری می‌فرماید. صد سال این جوری بفهمند که کاری به کار مردم نداشته باش این جور بیان بشود بعد حالا ادله‌ای بیاورند که معلوم بشود نه مقصودشان این بوده بعد از این که این تکالیف انجام شد، این حالت روانی باید پیش بیاید این مهم نیست شما به فکر خودت باش. این بعید به ذهن می‌آید این چنین باشد.

سؤال: حاج آقا همان روایت که فرمودید ...؟

جواب: خب آن معنای عرفی است آن را باید جور دیگری معنا بکنیم.

از این «و منها» می‌بینید که بعضی از اجله و مفسرین اصلاً گفتند این آیه منسوخ است. بله معنایش این است که دیگه کار نداشته باش. این منسوخ است با آیات جهاد، این منسوخ است با آیات امر به معروف و نهی از منکر. معنا همین است، ظاهرش همین است که دارد مستدل می‌گوید، می‌پذیریم ولی جواب این است که این منسوخ است. حتی بعضی از مفسرین قداماً آن‌ها گفتند این از آن آیاتی است که ناسخ و منسوخ توی آن با هم جمع شدند. «علیکم انفسکم» یعنی کار به دیگران نداشته باش، بعد که می‌فرماید که «لایضرکم من ضل اذا اهتدیتم» اذا اهتدیتم یعنی اذا امرتم بالمعروف و نهیتم عن المنکر. این با این ذیل دارد آن صدر نسخ می‌شود و گفتند مثال برای جایی که در یک آیه ظاهر قرآن در یک آیه ناسخ و منسوخ جمع شده باشد همین آیه است که صدرش می‌فرموده که... پس این‌ها ترتیب نزول هم دارند یعنی این‌ها که کنار هم قرار می‌گیرند معنایش این نیست که با هم نازل شدند این‌ها بعد در اثر یک مسائلی این جور چینش شده به امر پیامبر اکرم (ص). فلذا است که سیاق در قرآن خیلی اعتبار ندارد حتی توی آیه واحده. این حرف این است. این می‌گوید بله «علیکم انفسکم» نازل شده بوده، چندین سال فقط «علیکم و انفسکم» بوده بعد خدای متعال این آیه را نازل فرموده، این بخش از آیه نازل شده «لایضرکم من ضل اذا اهتدیتم» این تعلیل آن هم نیست، این یک حرف جدیدی است. خدای متعال نازل فرموده و با این آن «علیکم انفسکم» نسخ شده حالا این دو تا به شکل یک آیه کنار هم قرار گرفته در ترتیبی که پیامبر اکرم... این در کتب تفسیر اهل سنت وجود دارد این مطلب، این جوری گفتند اصلاً بعضی اعظم اهل سنت این جور گفتند.

خب این هم یک ادعایی است که لادلیل علیه «اذا اهتدیتم» را ما بیایم معنا بکنیم به اذا

امرتم بالمعروف و نهی از منکر این دلیلی ندارد، این مگر روایتی باشد از معصوم علیهم السلام و الا یک احتمالی است که لا دلیل علیه و خلاف ظاهر است و لایصار الیه.

علیٰ حالِ می‌خواهم عرض بکنم که این مسأله واقعاً حل این که این آیه شریفه مفاد عرفی آن چه جوری جور در می‌آید که به طور تفصیلی ما بتوانیم جمع بکنیم بین آیه شریفه و این، فی غایة الصعوبة هست که حتی عده‌ای از بزرگان را ناچار کرده بگویند بله کاری نمی‌شود کرد الا این که بگوییم منسوخ است.

سؤال: ...؟

جواب: بله توی اهل سنت هست و عرض کردیم که از بعض اجله معاصرین دام ظلّه ایشان هم یکی از احتمالاتی که می‌دهد بر حل این مسأله همین است که منسوخ است این آیه شریفه. این آیه بگوییم منسوخ است به ادله جهاد مثلاً به ادله امر به معروف و نهی از منکر.

سؤال: ...؟ آیه می‌گوید «علیکم انفسکم» می‌گوید مواظبت داشته باش نسبت به نفست، ...؟ به دلالت التزامیه این که هیچ کاری با دیگران نداشته باش تا حتی امر به معروف را شامل می‌شود. می‌گوید همان طوری که به نفست می‌پردازی، دنبال ...؟ نفست هست دنبال دیگران نباش. در امر به معروف ما نمی‌رویم دنبال تهذیب

جواب: به خدمت شما عرض شود این جور معنا کردن شاید مرحوم علی بن ابراهیم هم همین جور معنا کرده باشد یعنی اصلحوا انفسکم و لاتتبعوا ضلالت الناس. این جوری معنا کرده ایشان. بنابر این که بگوییم کلام خود ایشان هست چون به امام نسبت نداده این جا البته از تفسیر صافی استفاده می‌شود که ایشان تمام ما فی تفسیر علی بن ابراهیم را ولو نسبت نداده باشد از امام صادق می‌داند. فیض برداشتش از تفسیر علی بن ابراهیم این است که هیچ سخنی از خود ایشان نیست، همه این‌ها از امام صادق سلام الله علیه است. خب اگر امام صادق فرموده باشند خب آن حالا فرمایش ایشان هست و این طور معنا می‌فرمایند و علی عیننا. اما ما دلیلی بر این ادعای برداشت مرحوم فیض نداریم که هر چه که در آن جا... چرا؟ به خاطر این که خیلی جاها می‌گوید حدثی؛ نقل می‌کند. خب چطور شده این جا را نگفته. با سند نقل می‌کند، به امام نسبت می‌دهد چرا این‌ها را نسبت نمی‌دهد. خود این شیوه نشان می‌دهد که آن‌هایی که نسبت نداده حرف امام می‌خواهد بگوید نیست. آن جاهایی که فرمایشات ائمه علیهم السلام نسبت داده، سند ذکر کرده. خب ایشان فرموده الزموا انفسکم یعنی این. ولی خب آن مستدل چی می‌گفت، می‌گفت الزموا انفسکم معنایش این است. الزموا انفسکم بله این هم یکی بخشی از آن است، یکی از نتایجش هست اما نه منحصر در این است. الزموا یعنی بچسب به خودت.

سؤال: یعنی بچسب به دیگران.

جواب: نه. البته استثناء هم دارد. الزموا انفسکم یعنی به خودت برس به دیگران کاری نداشته باش، لازمه‌اش این است که انجام بده کاری را ترک بکند. بگذاریم دیگه رد بشویم از این.

خلاصه حالا ما اگر آن جواب اول که دادیم که جواب اجمالی بود که ما می‌دانیم بالاخره این جا آن جوان اجمالی کافی است برای ما که حالا اگر نتوانستیم هم به طور تفصیلی بگوییم بالاخره چه جور باید هماهنگ کرد بین این دو تا را که مفسرین مختلف گفتند،

حرف‌های مختلفی این جا گفته شده، هیچ کدام یک قرینه جازمه قاطعه‌ای برای فرمایشش اقامه نکرده اما این باعث نمی‌شود که ما دست از ادله امر به معروف و نهی از منکر برداریم بعد تظافرها و کثرتها که این‌ها اطمینان یا قطع برای ما می‌آورد که آن حکم شرعی است و واجب الهی است بنابراین باید اجمالاً بدانیم یکی از جواب‌هایی که دو تا بیان اجمالی که داشتیم جوابی این جا وجود دارد ولو این که حالا آن جواب را ما تفصیلاً نتوانسته باشیم درک کنیم. لعل الله يحدث بعد ذلك امراً. این مال صدر آیه.

و اما ذیل:

سؤال: ...؟

جواب: کجا گفته گوش ندادن.

سؤال:؟

جواب: علامه همین را می‌گوید، می‌گوید کجای این آیه دارد می‌گوید اگر کردید و گوش نکردند ببینید این‌ها یک پیش فرض‌هایی است که ما می‌کنیم، آیه را می‌آوریم در یک فضای خاصی با یک پیش فرض‌هایی، این کجا است، کو قرینه بر این امور.

سؤال: ذیل آیه می‌گوید «ضل».

جواب: خب «ضل» معنایش چیه؟

سؤال: ...؟

جواب: اما بعد از امر به معروف شما، کجای آن دارد بعد از امر به معروف شما؟

حالا یک نکته‌ای قبل از این که وارد آن ذیل آیه بشوم دیروز یکی از برادران اصرار می‌ورزیدند و یک نکته‌ای را ایشان می‌فرمود که خودش این نکته هم یک نکته قابل توجهی است. ایشان می‌فرمودند که کلمه ضلال در قرآن شریف معمولاً برای ضلالت در اصول عقاید است نه برای فروعات؛ گناه و معصیت و این‌ها. پس این آیه شریفه مربوط نمی‌شود به فروعات، این آیه مال مسائل و اعتقادیات است. «علیکم انفسکم» لایضركم من ضل أی من الحد و جهد بالله بالرسول بالدین، آن به شما ضرری نمی‌رساند. شما در باب عقاید به فکر خودتان باشید اگر می‌بینید آن‌ها قبول نمی‌کنند چی نمی‌کنند خب نکنند آن به شما ضرری نمی‌رساند. ایشان ادعای‌شان این هست کلمه ضلال، ضلال، یضل، ضال، مضل در قرآن مال این جور آدم‌ها است.

این فرمایش محل اشکال است به خاطر این که درسته در آیات فراوانی ضلالت و مضل و ضال و این‌ها مال همین گروه است؛ مال کفار است اما این جور نیست که استعمالات قرآنی فقط محصور به آن جا باشد. موارد عیدیه‌ای وجود دارد من از باب مثال یکی را عرض می‌کنم ان شاء الله به همین معجم المفهرس نگاه بکنید می‌بینید که در موارد عیدیه هست که مال آن باب نیست من جمله این آیه مبارک توی سوره مبارکه احزاب آیه 36 «وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا» خب این مال کجاست؟ یعنی پیامبر دستوری داده، وقتی پیامبر دستوری داد، خدای متعال دستوری داد، به چیزی امر فرمود

حالا چه امر شرعی، چه امر سلطانی و به عنوان این که حاکم جامعه است امری فرمود، دستوری فرمود مردم اختیار ندارند که اگر دل‌مان خواست انجام بدهیم، دل‌مان خواست انجام ندهیم. پسندیدیم انجام بدهیم، نپسندیدیم انجام ندهیم. «ما کان لهم الخیرة من امرهم» بعد همین جا می‌فرماید «و من یعص الله ورسوله فقد ضلّ ضلالاً مبیناً» کسی که عصیان خدا و رسول بکند، ممکن است در این دستوراتی که داده حالا چه دستورات دینی و شرعی و چه دستورات حکومتی کسی عصیان بکند و انجام ندهد «فقد ضلّ ضلالاً مبیناً» و آیات دیگری هم هست، به همان فهرست که نگاه بفرمایید می‌بینید، بنابراین جا که می‌فرماید که «لا یضرکم من ضلّ اذا اھتدیتم» این ضلال اعم است از این که این ضلالت در باب عقاید باشد یا این ضلالت در باب عصیان فروع دینی باشد و یا اوامر مولویه و سلطانیه من له السلطان در اسلام باشد.

سؤال: «اذا اھتدیتم» یعنی این که زمانی که به احکام الهی و ...؟ عمل بکنید.

جواب: مختلف است. یک جایی اھتداء در مقابل همان کفر است و جاهایی هم بله اھتداء به معنای این است که به فرمایشات خدای متعال حالا عمل می‌کنند.

سؤال: ...؟ خود امر به معروف و نهی از منکر در قرآن...

جواب: خب این برمی‌گردد به همان جواب ورود دیگه که شما می‌فرمایید. که حالا عرض می‌کنیم الان.

سؤال: نه این نسخ را نباید ...؟

جواب: این نسخ را تقویت می‌کنیم اگر آن‌ها را جواب دادیم. آن راه‌حل‌ها اگر تمام نشد این نسخ را هم ما قبول نداریم می‌خواستیم بگویم صعوبت امر را با آن بیان بکنم که حتی در اثر این که جواب تفصیلی واضحی برای جمع به خیلی ذهن‌ها نیامده آن‌ها ناچار شدند به این که قائل به نسخ بشوند چون از آن طرف که نمی‌شود انکار کرد، جهاد را که نمی‌شود انکار کرد آن‌ها از مسلمات است گفتند پس بگویم آیه نسخ شده.

و اما ذیل آیه مبارکه که «لا یضرکم من ضلّ اذا اھتدیتم» که این ذیل دو تقریب دارد. یک تقریب را قبلاً عرض کرده بودیم برای دلالت بر عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر. یکی آن تقریب قبلی بود که علامه فرمود بیاناً لآن سلفی که می‌گفتند از این آیه ترخیص در عدم امر به معروف و نهی از منکر استفاده می‌شود. که این بود حاصل کلام علامه که این جا به دلالت اقتضاء می‌فهمیم که مراد از لایضرکم نفی نیست، اخبار از نفی اضرار نیست چون آن که معلوم است که ضرر می‌رساند. وقتی که شیوع پیدا کرد فحشاء و منکرات و عصیان در جامعه این روشن است که ضرر می‌رساند. این هیچ‌ذو ریبی هم در این ریب نمی‌کند. این جا ولو آدمی که خیلی اهل ریب باشد این جا را واضح است که ضرر می‌رساند پس خدای متعال نمی‌خواهد اخبار کند که لایضرکم من ضلّ اذا اھتدیتم. بلکه در این جا به دلالت اقتضاء چون آن معنای ابتدایی قابل اراده نیست، خلاف واقع است صوناً لکلام الحکیم عن الکذب و الخلاف الواقع می‌گوییم کنایه است از این که شما تکلیفی راجع به این مطلب ندارید، راجع به این ضلالت‌ها شما تکلیفی ندارید. این تقریب اول است.

تقریب دوم که قبلاً بیان نکردیم تقریب دوم را این است که نه، اگر ما به همین معنای اخباری هم بگیریم و نگویم کنایه هست و تصویر کنیم که خلاف واقع هم نباشد که حالا

بعد عرض خواهیم کرد می‌توانیم این جوری بیان بکنیم که خب اگر اهتداء آن جوری که نظر مستدل هست اهتداء به این که وظایف شخصیهات را انجام بدهی، نمازت را می‌خوانی، روزهات را می‌گیری، حجات را می‌روی، هر چی به گردنت خدای متعال گذاشته خودت انجام می‌دهی وظایفت را. ادا اهتدیتم یعنی ادا عملتم بوظائفکم الشخصیه. خب این در چه صورتی است که اگر ما به وظایف شخصیهام عمل کنیم لایضرنا من ضل؟ آن وقتی است که خدای متعال در صورت ضلالتنا تکلیفی به گردن ما نگذاشته باشد. و الا اگر در صورتی که آن‌ها ضلالت پیدا کردند تکلیف به گردن ما گذاشته باشد خب آن‌ها اگر ضلالت پیدا کردند موضوع برای تکلیف انجام می‌شود و ما این تکلیف را اگر انجام ندهیم خب یضرنا. ضررش چیه؟ استحقاق عقوبت است. و ضررش چیه؟ فعلیت عقوبت است اگر خدای متعال عفو نفرماید. پس این که می‌فرماید ضرری به شما رسانده نمی‌شود این لایمکن الا این که تکلیفی در موقع ضلالت آن‌ها متوجه ما نباشد. و الا اگر در موقع ضلالت آن‌ها تکلیفی متوجه ما باشد و ما اقتصار کنیم به وظایف شخصیه خودمان این جا ضرر متوجه ما خواهد شد، آن‌ها ضرر به ما خواهند زد، چون موضوع تکلیف را ایجاد کردند، ما هم آن تکلیف را انجام ندادیم و ضرر به ما متوجه می‌شود و چه ضرری بالاتر از استحقاق عقوبت اخروی یا فعلیت عقوبت اخروی که اگر خدای متعال عفو نفرماید. این هم بیان دوم.

سؤال: ...؟ شما معنای ضرر را تغییر دادید.

جواب: نه تغییر ندادیم.

سؤال: این ضرر اخروی ...

جواب: نه، ضرر خب، این که لایضرکم که فقط ضرر... چه اخروی، چه دنیوی.

سؤال: ... آن‌ها که به ضرر می‌رسد بالاخره. منظور این است که ضرر اخروی به ما نرسد.

جواب: ضرر دنیوی هم دارد چون وقتی امر به معروف نکردید بعد تعزیر می‌شوید. تعزیر می‌شود. کسی که واجبی را ترک کند یا حرامی را انجام بدهد اگر حد دارد، حد می‌خورد. حد نداشت تعزیر می‌شود.

سؤال: ...؟

جواب: آن بیان آقای... حالا این بیان دوم این است که نه اگر گفتیم این جوری نیست که حالا بعد بیان خواهیم کرد به این شکل تقریب می‌کنیم.

سؤال: حاج آقا می‌بخشید اگر به معنای ...؟

جواب: چی را؟

سؤال: ...؟ انفس را به معنای راه بگیریم.

جواب: انفس که به معنای راه نیست. سبیلکم که نفروده، طریفکم که نفروده.

سؤال: اگر به معنای راه بگیریم نه ضرری عاید می‌شود ...؟ مسیر داده....

جواب: بله این حرف درسته اما کجا، کدام لفظ، مفردات این جمله کدام دلالت بر این مطلب می‌کند.

سؤال: ...؟

جواب: می‌شود که بله یعنی بیایم الفاظ را در یک معانی دیگری استعمال کنیم بگویم یک معانی جدیدی دارد. این معنایی که برای این‌ها توی لغت ذکر شده، توی عرف هست از آن در نمی‌آید.

سؤال: به معنای راه گرفتند.

جواب: کی، انفس را؟

سؤال: بله به معنای راه.

جواب: کی انفس را به معنای راه گرفته؟ اگر باشد بطن است و این بطون را هم ما راهی به آن نداریم مگر این که ائمه علیهم السلام بفرمایند. انفس که به معنای راه نیست. بله واقع راه هست به این معنا که بله یکی از راه‌های معرفت خدای متعال خود نفوس انسان‌ها است. به آن معنا بله. اما نه این که مفهوم انفس به حمل اولی راه باشد، طریق باشد. نه، به حمل شایع صناعی بله نفوس هم یکی از طرق است کما این که آسمان و زمین و ستاره‌ها و همه این خلایق هم آن‌ها طرق الی الله تبارک و تعالی هستند.

سؤال: حاج آقا فاعل لایضرکم، «مَنْ» هست. «من ضل». این جا خب ...؟

جواب: نه. بله همین «من ضل» باعث می‌شود....

سؤال: ...؟

جواب: نه، بله. آن «من ضل» حالا مستدل دارد می‌گوید می‌گوید این «من ضل» اگر موضوع برای تکلیف شما را دارد ایجاد می‌کند. آن وقت شما اگر بعد از این که آن موضوع را ایجاد کرد شما فقط به اعمال شخصیه خودت پرداختی آن وقت چی می‌شود؟ آن باعث می‌شود که شما ... شما که می‌گویم مقصود حضرت تعالی نیستید یعنی آن کسی که این کار را کرده. او مبتلای به عقاب خدای متعال می‌شود، استحقاق عقوبت می‌شود. چی باعث شد که این جور بشود؟ این کسی که گناهکار است، این کسی که ضلّ. این باعث شد موضوع درست بشود برای این که این عقاب بشود. البته به ضمیمه این که او ترک کرده وظیفه خودش را. این دو تقریب.

آیا این دو تقریب درست است یا نه؟

خب حرف‌هایی که در صدر آیه زده شده این ذیل هم زده می‌شود. یعنی آن آیه اول که خطاب به مجتمع مؤمنین باشد این جا هم همین جور است «لایضرکم من ضل اذا اهدیتهم» ای مجتمع مؤمنین لایضرکم، این «کُمْ» یعنی مجتمع مؤمنین. «لایضرکم من ضل» یعنی کسانی که ضلالت دارند و گمراه هستند این‌ها ضرر به شماها نمی‌رسانند «اذا اهدیتهم» این مجتمع اگر مجتمع مؤمنین شد و هدایت پیدا کرد این مجتمع دیگه ضلالت آن‌ها به شما ضرر نمی‌رساند. خب این جا خوب دقت کنید که جواب آن فرمایش علامه هم از همین جا روشن می‌شود. اگر ما به این معنا گرفتیم قهراً «من ضل» می‌شود خارج

از این مجتمع مؤمنین چون مجتمع مؤمنین شد «اهتدیتم» وقتی مجتمع هدایت شد، هدایتش به این است که افرادش هدایت شده باشند، به وظایفشان آشنا شده باشند و عمل کرده باشند. دارد آیه شریفه می‌فرماید اگر شما یک مجتمع صالحی شدید و اهتداء پیدا کردید دیگه ضلالت افراد به شما ضرر نمی‌رساند چون قهراً آن‌ها خارج از حیطه شما هستند. کفار هستند، جماعت‌های دیگر هستند به شما ضرر نمی‌رسانند. و این که علامه فرمود در عبارت‌شان آن جا این جوری بود که فرمود ذو ریبی شک نمی‌کند، فرمود به این که:

و الا فتضرر المجتمع الدینی من شیوع الضلال من کفرٍ أو فسقٍ من ما لایرتاب فیه ذو ریب.

این شیوع ضلال از کفر و فسق در صورتی است که در جامعه خودشان باشد. اما اگر بیرون جامعه خودشان باشد خب چرا، مشکلی ندارند آن‌ها. بنابراین احتمال اول این است که بگوییم که لایضرکم من ضل اذا اهتدیتم، اگر آن معنا باشد. آن جواب این جا هم می‌آید و می‌توانیم به این جور جواب بدهیم.

مطلب دوم که بود که انقلاب نسبت باشد آن هم می‌آید در این جا. آن روایت شریفه‌ای که فرمود مال مورد تقیه هست یا آن روایاتی که فرمود مال جایی است که اثر نکند خب این ذیل را هم همین جور دارد می‌فرماید. «لایضرکم من ضل اذا اهتدیتم» در موردی که تقیه هست، یا در موردی که گفته شما اثر نمی‌کند، همان جوابی که آن جا داده شد این جا هم داده می‌شود.

سؤال: ...

جواب: نه دیگه شما که شدید توی شما نیست دیگه. خارج از شما می‌شود.

سؤال: ...؟

جواب: مجتمع مؤمنین دیگه، به مؤمنین دارد خطاب می‌کند. ای مؤمنین وقتی شما هدایت شدید و به وظایف‌تان عمل می‌کنید، این مجتمع شما که آدم‌های این جوری هستید دیگران به شما ضرر نمی‌زنند پس آن دیگران که داخل شما نیستند، آن‌ها اذا اهتدیتم نیستند. این به مجتمع مهندین دارد می‌گوید. حالا کجا هستند؟ بیرون از شما هستند. اگر مسلمان هستند داخل این جا نیستند، توی یک جای دیگری هستند، توی این گروه نیستند، داخل این گروه نیستند. یا این که کفار هستند. آن احتمال سوم و راه سوم که عبارت بود از ورود آن این جا خیلی عالی... بهتر از آن قبل می‌آید. چون آن جا با واسطه ما می‌خواستیم ورود درست کنیم، بگوییم «علیکم انفسکم» معنایش این است که به وظایف‌تان عمل کنید آن وقت این دارد وظیفه درست می‌کند. این جا که خودش دارد می‌گوید «اذا اهتدیتم» اهتدیتم یعنی چی؟ یعنی عملتم بوظائفکم. خب آن ادله امر به معروف دارد می‌گوید این‌ها وظیفه شما است. پس تعارضی با هم دیگه ندارند، دارد مصداق درست می‌کنند. بنابراین، این جور هم اگر گفتیم این ذیل هم درست می‌شود.

سؤال: این که در آیات قرآنی ...؟

جواب: می‌گوید لایضرکم.

سؤال: ...؟

جواب: چطوری ضرر وارد می‌کند؟

سؤال: ...؟

جواب: فتنه معنایش این نیست که ضرر می‌رساند.

سؤال: ... ضرر می‌زند حاج آقا.

جواب: به کی ضرر می‌زند؟

سؤال: ...؟

جواب: نه، حالا می‌گویم.

عرض می‌کنم به این که خب پس آن جواب‌های سابق این جا می‌آید. و الاشکالات الاشکالات. آن‌ها اگر اشکال کردیم آن جا خب آن اشکالات در این جا هم قابل تطبیق هست و وارد می‌شود.

و لكن الحق در جواب این است که این استدلال مبنی بر این است که خود مفاد اولی جمله قابل اراده نباشد تا به دلالت اقتضاء بگویم کنایه است. از این که شما تکلیفی ندارید. این مبنی بر آن است و حال این که این هم معنی اصلی جمله لایأس برارده و دلالت اقتضاء این جا تحقق پیدا نمی‌کند چون می‌فرماید که «لایضرکم من ضل اذا اهتدیتم» چه ما این «کُم» و «تُم» را جامعه بگیریم، چه افراد فرداً فرد جامعه بگیریم. در هر دو صورت خود معنای آن قابل تصدیق هست و خلاف واقع از آن لازم نمی‌آید. اگر جامعه بگیریم خب همان جور که توضیح دادیم می‌فرماید که «لایضرکم» ای جامعه مؤمنین «من ضل اذا اهتدیتم» ای جامعه مؤمنین. شما وقتی یک جامعه صالحی شدید به شرط این که اهتدیتم، به شرط این که شما اهتداء پیدا بکنید دیگه آن‌ها ضرری به شما نمی‌رسانند. خب حالا چه طور ضرر نمی‌رسانند؟ خود علامه قدس سره در عبارات‌شان در بعضی جاها این جور... دو جور معنا فرمودند برای این که ضرر نمی‌رساند. یکی این است که این‌ها در اثر این که شما اهتداء پیدا کردید اصلاً دیگه به فکر این نمی‌افتند که بیاوند با شما بجنگند، رخنه کنند در جامعه شما. به قول ایشان شبیه آیه شریفه می‌شود «الیوم یئس الذین کفروا من دینکم» لایضرکم از باب سالبه به انتفاء موضوع است. یعنی در صدد اصلاً برنمی‌آیند. وقتی شما اهتداء پیدا کردید این‌ها لایضرکم، چرا؟ چون اصلاً در صدد برنمی‌آیند دیگه مأیوس هستند. مثل این که می‌گوید اگر قدرت دفاعی یک کشور خیلی بالا برود اصلاً توی ذهن دشمن نمی‌آید که بخواهد جنگ کند. ایشان می‌گوید که ممکن است آیه این جور معنای آن باشد «لایضرکم من ضل اذا اهتدیتم» وقتی شما هدایت پیدا کردید و مهتدی شدید این‌ها لایضرکم چون اصلاً دیگه در صدد برنمی‌آیند. می‌دانند کاری از دست‌شان نمی‌آید، مأیوس می‌شوند اصلاً در صدد برنمی‌آیند.

معنای دیگر این است که «لایضرکم» یعنی نه این که در صدد برنمی‌آیند، نه برمی‌آیند ولی ضرری به شما نمی‌رسد. شما واکسینه شدید، هر چی آن‌ها میکروب بخواهند پخش بکنند چون شما قبلاً واکسینه شدید. این چیزهایی که آن‌ها وارد می‌خواهند بکنند در جامعه شما به شما ضرری نمی‌رسانند. شما اگر اهتداء پیدا کردید، خدا ترس شدید، تقوای خدای را

پیشه کردید، آخرت را مد نظر خودتان قرار دادید، سعادت ابدی را در نظر قرار دادید، گوش به فرمان خدا و رسول و ائمه علیهم السلام بودید اگر این جور بودید حالا هر کار آن‌ها.... آن‌ها در صدد برمی‌آیند اما ضرری به شما نمی‌رسد. حالا چه آن جور معنا کنیم که اول است که یعنی اصلاً جوری می‌شود که مایوس می‌شوند و اصلاً در صدد دیگه بر نمی‌آیند فلذا لایضرکم یا نه، معنای ثانی را بکنیم که چرا در صدد برمی‌آیند، اعمالی را هم انجام می‌دهند، اقداماتی را هم می‌کنند ولی این اقدامات به ضرر شما نمی‌انجامد. معنای دوم.

علی‌آئی حال پس بنابراین معنای مطابقی آیه و معنای اولی قابل قبول است و خلاف واقع نیست تا ما بخواهیم حملش بکنیم بر این که شما در نسبت به ضالین تکلیفی ندارید که معنای کنایی بخواهیم بگیریم. این اگر «کم» و «تم» را به معنای جامعه مؤمنین بگیریم. اگر این «کم» و «تم» را نه، کل فرد فرد بگیریم، آن هم باز همین جور است. خب کل فرد فرد وقتی که انسان «من صل» ضلالت او، او گمراه شده، او نماز نمی‌خواند، روزه نمی‌گیرد، غیبت می‌کند و سایر محرمات را خدای نکرده انجام می‌دهد، هر کاری. وقتی کسی خودش هدایت شده، گوش به فرمان خدای متعال هست آن چه ضرری به این می‌رساند.

سؤال: ...

جواب: نه، ضلالت او نه فعل او. ضلالت او به ضرر شما نیست. نگفته که اگر آمد شما را بکشد به شما ضرری نمی‌رساند، دزدی هم کرده به شما ضرری نمی‌رساند. این را که نگفته. ضلالت او.

سؤال: ...؟

جواب: آن ضلالت او به شما ضرری نمی‌رساند.

پس بنابراین خب اگر انسان هر کسی که مهتدی شد ضلالت دیگران چه ضرری به او می‌زند. دنیای او را خراب می‌کند؟ آخرتش را خراب می‌کند؟ «لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» بنابراین مفاد خودش.... خدای متعال می‌خواهد بفرماید در این جا کأَنَّ اگر به این ملاحظه باشد همین که اولاً باز خود علامه طباطبایی قدس سره این را هم در بعضی کلمات‌شان به آن توجه دادند که یک حرفی است توی ذهن خیلی‌ها می‌آید می‌گویند آقا مردم که دیگه به دین عمل نمی‌کنند، دیگه مایوس هستیم. این باعث می‌شود خودش هم می‌خواهد عمل نکند، خودش هم می‌شود مثل آن‌ها. خب آن‌ها باشند به شما چه ضرری می‌رساند که شما می‌خواهید دست بردارید. خب آن‌ها جهنمی شدند، خب بشوند. کل عالم اگر فرض کنیم کل عالم در یک زمانی که کسی زندگی می‌کند چندین میلیارد آدم همه بشود جهنمی این یکی خداپرست بشود، خب این بشود. این چه ضرری می‌رساند.

و یا این که این حالت روانی که گاهی برای اشخاصی پیش می‌آید که وقتی می‌بینند مردم و جامعه، فساد در آن‌ها رایج شده، آن‌ها چی شدند همه‌اش به فکر مردم هستند و از خودشان غافل می‌شوند. از خودش دیگه غافل می‌شود این آیه می‌خواهد بگوید نه این جور نشود از خودت غافل بشوی، علیکم انفسکم، لایضرکم من ضل اذا اهتدیتم. دیگه نمی‌خواهد تمام انرژی و وقت و فکر و همه چی را صرف مردم بکنید برای این که آن‌ها هدایت بشوند از خودت غافل باشی. این قدر خودت عیوب داری، نواقص داری این‌ها را

ول کنی همه‌اش به فکر دیگران باشی. این جا نه، اصلاً ایثار هم این جا نیست. ایثار این نیست که انسان خودش را در چهل نگه دارد برای این که دیگری آدم بشود. خودش را در عدم قرب به خدای متعال نگه دارد تا دیگری مقرب بشود. این ایثار نیست این جا. پس بنابراین خود مفاد آیه قابل اراده هست معنای اولی آن، فلا یتحقق دلالت اقتضاء تا بگوییم این کنایه از آن مطلب است. این اشکال.

از این بیان معلوم می‌شود آن بیان دوم هم برای استدلال آن هم تمام نیست که «لایضرکم من ضل اذا اهدیتهم». و للكلام تنمة.

و صلی الله علی محمد و آل محمد.